دریچه

نامه ۱۷ انجمن مدرسه‌ساز و مدرسه‌یار به دولت

هم‌زمان با تکرار تعطیلی مدارس در سال‌های اخیر به دلیل همه‌گیری کرونا، ناترازی انرژی، آلودگی هوا و دیگر بحران‌ها، جمعی از نهادها، انجمن‌ها، خیریه‌ها، اندیشکده‌ها و کنشگران حوزه آموزش، در نامه‌ای به رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی آموزش و پرورش، نسبت به پیامدهای تداوم این روند بر کیفیت یادگیری، عدالت آموزشی و آینده سرمایه انسانی کشور هشدار داده‌اند. امضاکنندگان این نامه با استناد به قانون اساسی، سند تحول بنیادین و برنامه هفتم پیشرفت، خواستار تدوین و تصویب پروتکل ملی پایداری آموزش حضوری در شرایط بحران شده‌اند تا تعطیلی مدارس فقط به عنوان آخرین راهکار و بر پایه معیارهای علمی و ارزیابی ریسک انجام شود. در متن این نامه آمده است: «مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و قانون برنامه هفتم پیشرفت بر عدالت آموزشی، کیفیت یادگیری و دسترسی پایدار به آموزش حضوری تأکید دارند. از این رو، پایداری فعالیت مدارس تکلیفی قانونی، حاکمیتی و راهبردی در قبال آینده کشور محسوب می‌شود. نهاد آموزش عمومی، خاستگاه پرورش سرمایه انسانی، پایدارترین دارایی ملی و از ارکان اقتدار و امنیت کشور است. مدرسه، افزون بر تربیت منابع انسانی کارآمد، مهم‌ترین بستر شکل‌گیری انسجام اجتماعی و کاهش شکاف‌های اجتماعی به شمار می‌رود. هرگونه اختلال، وقفه یا جایگزینی آموزش حضوری با الگوهای ناپایدار، تهدیدی مستقیم برای کیفیت یادگیری، عدالت آموزشی، سرمایه اجتماعی و مسیر توسعه ملی است. در سال‌های اخیر، پایداری نهاد مدرسه در ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون همه‌گیری کرونا، ناترازی انرژی و منابع طبیعی، آلودگی هوا، مخاطرات طبیعی و در یک سال اخیر پیامدهای ناشی از جنگ و شرایط امنیتی قرار گرفته و در مقاطع مختلف، تعطیلی یا محدودیت فعالیت حضوری مدارس را به دنبال داشته است. شواهد آموزشی، اجتماعی و روان‌شناختی نشان می‌دهد تداوم این وضعیت آثار بلندمدتی بر کیفیت سرمایه انسانی کشور خواهد داشت. گزارش‌های رسمی داخلی و یافته‌های نهادهای معتبر بین‌المللی ازجمله یونسکو و یونیسف نیز نشان می‌دهد غیرحضوری‌شدن مدارس، در صورت فقدان سیاست‌های جبرانی، موجب افزایش فقر یادگیری، تشدید نابرابری آموزشی، افت سلامت روان و کاهش سرمایه اجتماعی کودکان می‌شود. بر این اساس، ما مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها، خیریه‌ها، اندیشکده‌ها و کنشگران حوزه آموزش، نگرانی عمیق خود را نسبت به استمرار این روند اعلام می‌کنیم. مهم‌ترین شواهد عبارت‌اند از:

- کاهش محسوس زمان مؤثر آموزش حضوری در مقایسه با بسیاری از نظام‌های آموزشی موفق
- افزایش فقر یادگیری در کشورهای با درآمد متوسط و پایین در پی اتکای گسترده به آموزش مجازی
- فاصله قابل توجه بخشی از دانش‌آموزان ایرانی با حداقل شایستگی‌های مورد انتظار در سواد خوانداری و نوشتاری، ریاضیات و علوم
- افزایش مشکلات سلامت روان، کاهش انگیزه تحصیلی و افت تمرکز دانش‌آموزان
- تشدید شکاف دیجیتال و افزایش نابرابری آموزشی در مناطق کم‌برخوردار
- افزایش خطر بازماندگی از تحصیل در میان دهک‌های درآمدی پایین و خانوارهای آسیب‌پذیر
- افزایش بار مراقبت بر خانواده‌ها و کاهش مشارکت اقتصادی زنان
- تضعیف سرمایه اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تعلق دانش‌آموزان به مدرسه».

در ادامه این نامه از رئیس دولت خواسته شد: «با مشارکت وزارت آموزش و پرورش، وزارت کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان مدیریت بحران و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، «پروتکل ملی پایداری آموزش حضوری در شرایط بحران» تدوین و به تصویب هیئت وزیران برسد. پیشنهاد می‌شود این پروتکل بر محورهای زیر استوار باشد:

۱. آموزش حضوری به عنوان اصل بنیادین نظام آموزشی شناخته شده و تعطیلی مدارس صرفا آخرین راهکار باشد.
۲. مدارس در شرایط ناترازی انرژی و منابع طبیعی در زمره زیرساخت‌های حیاتی مشابه مراکز درمانی قرار گیرند.
۳. معیارهای تعطیلی مدارس در شرایط آلودگی هوا بر پایه شواهد علمی بازنگری شود.
۴. در شرایط بحران، به‌ویژه جنگ و تهدیدات امنیتی، نظام تصمیم‌گیری مبتنی بر سطح‌بندی ریسک (حضوری، ترکیبی و غیرحضوری) اجرا شود.
۵. در صورت هرگونه تعطیلی یا وقفه در آموزش حضوری، وزارت آموزش و پرورش نسبت به جبران کسری آموزش به نحوی که سهم سالانه آموزش غیرحضوری از سقف معین و کارشناسی‌شده فراتر نرود، اقدام نماید (هم‌زمان با جبران یادگیری، حمایت روانی-اجتماعی و تضمین دسترسی آموزشی برای دانش‌آموزان و گروه‌های کم‌برخوردار).
۶. آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های عملی، تاب‌آوری، سواد رسانه‌ای و مدیریت بحران در برنامه مدارس تقویت شود.
۷. ترتیبی اتخاذ شود که گزارش سالانه پایداری آموزش حضوری و آثار تعطیلی مدارس به هیئت وزیران ارائه شود.

نظر به عنایت ویژه جناب‌عالی به امر آموزش و پرورش، اطمینان داریم ملاحظه این مطالبه ملی، زمینه‌ساز تدوین سیاستی پایدار برای صیانت از حق آموزش کودکان ایران خواهد بود. حفظ پایداری مدرسه، سرمایه‌گذاری برای امنیت ملی، عدالت اجتماعی، سرمایه انسانی و آینده کشور است».

خبر

هشدار درباره انتشار محتوای خشونت‌آمیز

پلیس فتا نسبت به انتشار محتوای خشونت‌آمیز و تحریک‌کننده در فضای مجازی هشدار داد و اعلام کرد با متخلفان برخورد قانونی می‌شود. وحید مجید با تأکید بر رصد مستمر فضای مجازی، افزود: «تولید، انتشار و اشتراک هرگونه محتوایی که شامل تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت، فریب یا تسهیل شیوه ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز باشد و منجر به تشویش اذهان عمومی یا ایجاد ناامنی در فضای سایبر شود، جرم محسوب شده و با مرتکبین برابر قانون جرائم رایانه‌ای و سایر قوانین مرتبط برخورد قاطع خواهد شد». او ادامه داد: «تولیدکنندگان محتوا باید آگاه باشند که محتوای منتشرشده در فضای مجازی، به دلیل سرعت بالای انتقال و قابلیت دسترسی گسترده، تأثیر مستقیم و عمیقی بر افکار عمومی جامعه دارد. انتشار هرگونه کلیپ یا محتوایی که با وجود صحنه‌های خشونت‌آمیز، زمینه برانگیختن احساسات عمومی به شکل منفی، قبح‌شکنی از رفتارهای مجرمانه و ترویج الگوهای خشونت‌آمیز را فراهم کند، مورد رصد پلیس فتا قرار می‌گیرد». مجید ادامه داد: «بعضی از کاربران به منظور جلب مخاطب بیشتر و کسب درآمد یا با هر هدف دیگری، اقدام به تولید محتوای پرخاشگرانه می‌کنند. این محتواها پس از انتشار، بلافاصله در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یافته و می‌تواند موجب مسئولیت کیفری برای منتشرکننده شود؛ چراکه براساس قانون، صرفا تولید یا انتشار نیست که جرم محسوب می‌شود، بلکه آثار سوء اجتماعی، روانی و امنیتی آن است که وصف مجرمانه به عمل می‌دهد».

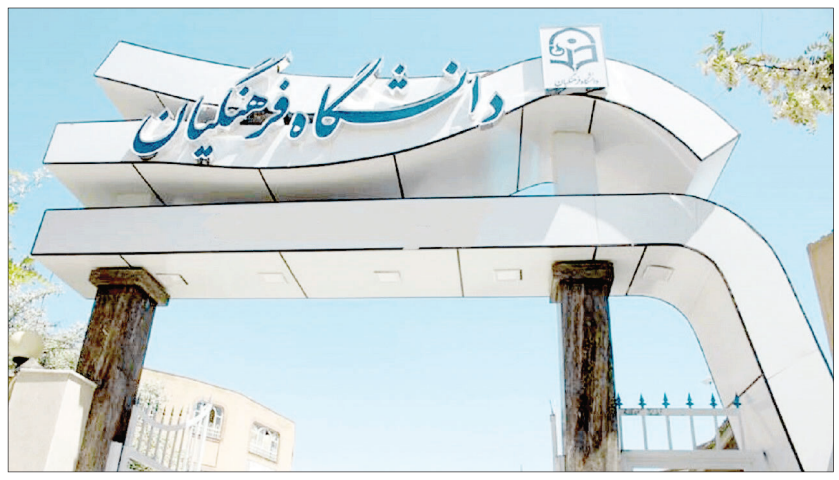

گزارش «شرق» از داوطلبان نابینایی که با وجود قبولی در آزمون و مصاحبه، پذیرش نهایی نشدند

نابینایان پشت در دانشگاه فرهنگیان

نیلوفر حامدی: سال‌ها با این باور زندگی کرد که نابینایی پایان راه نیست. از همان کودکی که پزشکان به خانواده‌اش گفته بودند اندک بینایی باقی‌مانده‌اش نیز تا ۱۱سالگی از بین خواهد رفت، یاد گرفت به‌جای آنچه از دست داده، بر آنچه هنوز دارد تکیه کند. جوان ۲۲ساله‌ای از یکی از روستاهای شهرستان نمین اردبیل که می‌خواست تاریخ درس بدهد، روی پای خودش بایستد و ثابت کند معلولیت، مانعی برای ساختن آینده نیست، حالا یک سالی می‌شود که خانه‌نشین شده، چون با وجود موفقیت در آزمون سراسری، نتوانسته در دانشگاه فرهنگیان پذیرش بگیرد. روایت این داوطلب اما یک استثنا نیست. گزارش‌های رسیده به «شرق» و گفت‌وگو با افراد دارای معلولیت بینایی، فعالان حقوق معلولان و انجمن نابینایان کشور نشان می‌دهد در سال‌های اخیر شماری از داوطلبان نابینا، با وجود قبولی در آزمون سراسری و پشت سر گذاشتن مراحل مصاحبه، در آستانه ورود به دانشگاه فرهنگیان از ادامه مسیر بازمانده‌اند. آنها می‌گویند در توضیح این اتفاق، گاه به «بخش‌نامه‌ای جدید» و گاه به «تکمیل ظرفیت» استناد شده، اما تاکنون توضیح روشنی درباره مبنای این تصمیم یا تغییر رویه نسبت به سال‌های گذشته ارائه نشده است.

معلمی که به کلاس درس نرسید

«رضا» ۲۱ سال دارد و اهل یکی از روستاهای شهرستان نمین استان اردبیل است. زندگی او، قصه زمین‌خوردن و بلندشدن چندباره است. قصه کسی که نه فقدان بینایی مقابلش ایستاد و نه زندگی در یک روستا: «بینایی چشم چپم را وقتی خیلی کوچک بودم از دست دادم. چشم راستم هم که تا ۵۰ درصد بینایی داشت و می‌توانستم با خط درشت بخوانم و بنویسم، مدت زیادی برایم باقی نماند. دکتر گفته بود اندک بینایی باقی‌مانده هم در ۱۱سالگی از دست می‌رود و همین‌طور هم شد. به دلیل نبود امکانات و البته فقر نتوانستم بلافاصله درس‌خواندن را ادامه دهم و دو سالی را از دست دادم». بعد از این اما رضا متوقف نشد. او سراغ یادگیری جدیدی رفت: «کمی بعد توانستم به مرکز نابینایان مرکز استان بروم و در آنجا خط بریل را یاد گرفتم. بعد توانستم با دانش‌آموزان عادی روستای خودمان در مدرسه ثبت‌نام کنم. از ششم تا نهم دوره متوسطه آن زمان را با همان دانش‌آموزان خواندم. در ادامه وارد رشته انسانی شدم و به دبیرستان دارای خوابگاه در شهر نزدیک روستای خودمان یعنی نمین رفتم. بازهم همراه با دانش‌آموزان عادی که شرایط جسمانی‌شان شبیه به من نبود و در دسته افراد دارای معلولیت محسوب نمی‌شدند، درس خواندم. در تمام آن سال‌ها هم همیشه بین چهار دانش‌آموز برتر کلاسمان بودم. شاگرد اول شدن برایم ساده نبود؛ رقابت سختی محسوب می‌شد. با وجود این، همیشه یا شاگرد دوم بودم یا نهایتا سوم و چهارم».

او همه تلاشش را به کار می‌برد تا هرچه را در کلاس شنیده، به خاطر بسپارد: «با همین شرایط هم دوران دبیرستان را گذراندم. با آنکه در آن زمان شرایط درس‌خواندن من نابینا اصلا مثل الان نبود. فایل‌های صوتی و گویای کتاب‌های درسی را نداشتیم و اگر هم به‌صورت اتفاقی، فایل صوتی یکی از درس‌ها وجود داشت، مربوط به سال‌های گذشته بود و به همین دلیل منبع موثقی به شمار نمی‌رفت، چراکه کتاب‌های درسی مرتب تغییر می‌کردند. خبری از کتاب‌های تستی هم نبود. صرفا به ذهنم اتکا می‌کردم و آنچه معلم در کلاس آموزش می‌داد سعی می‌کردم با بالاترین کیفیت به خاطر بسپرم». با همین روند او به آزمون سراسری رسید؛ به همراه کلی آرزو برای آینده‌اش: «خاطرم هست زمانی که برای کنکور ثبت‌نام می‌کردم، در کافی‌نت نوشتم که من دچار نابینایی مطلق هستم. کارت معلولیتم را ثبت کردم و برای حضور در آزمون سراسری هم منشی مخصوص نابینایان به من اختصاص داده شد. خوشبختانه توانستم کنکور را با موفقیت پشت سر بگذارم و به همین دلیل هم برای مصاحبه دعوتم کردند. مجددا در مصاحبه عمومی و تخصصی هم امتیازات لازم را کسب کردم. سپس در مرحله آزمون تخصصی دانشگاه فرهنگیان به من گفتند به درمانگاه بروم تا اقدامات مربوط به معاینه از طریق پزشک انجام و آخرین مرحله کارهای مربوط به استخدامم تأیید شود. آماده این بودم که دشواری‌های فراوانی که در تمام سال‌های زندگی و کودکی و جوانی‌ام پشت سر گذاشته بودم به سر برسد و به آرزویی که داشتم برسم. اما در آن درمانگاه بود که یک سطل آب سرد روی سرم ریختند و دنیا را بر سرم آوار کردند».

در دانشگاه فرهنگیان اما دنیا روی سرش خراب شد: «در درمانگاه که بودم، پزشک آن مرکز به من گفت امسال بخش‌نامه جدیدی صادر شده است. متوجه نشدم این بخش‌نامه از سوی وزارت آموزش و پرورش بود یا شورای انقلاب فرهنگی. اما آنچه همه آرزوهای من را بر باد داد این بود که پزشک درمانگاه فرهنگیان به من گفت طی این بخش‌نامه، ورود نابینایان به دانشگاه فرهنگیان ممنوع شده است». به گفته او، این در حالی است که در تمام سه دهه اخیر نابینایان به دانشگاه فرهنگیان راه پیدا می‌کردند: «همین سال گذشته تحصیلی یعنی ۱۴۰۳ از استان ما یک نابینا به دانشگاه فرهنگیان راه یافته بود. رئیس استثنائی استان هم به من گفته بود تو فقط درست را بخوان و اصلا ذهنت را درگیر مسائل حاشیه‌ای نکن. همه این سال‌ها ورود نابینایان به دانشگاه بلامانع بوده است و در ادامه هم همین‌طور خواهد بود».

حالا یک سال می‌شود که او خانه‌نشین است و هیچ منبع درآمدی ندارد. او همه‌جا رفته، از نمایندگان مجلس استان تا دیوان عدالت اداری کشور: «از نماینده استان اردبیل نامه‌ای گرفتم و به دکتر برزویی، رئیس دانشگاه فرهنگیان تهران رساندم. او به من گفت متأسفانه کاری از من ساخته نیست، چراکه ما زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش هستیم و فقط براساس دستورات آنجا عمل می‌کنیم. اگر قرار به جذب باشد، باید وزیر در این زمینه تصمیم‌گیری کند. به آموزش و پرورش استان هم نامه فرستادم و حضوری هم مراجعه کردم. گفتند از دست ما کاری برنمی‌آید. به دیوان عدالت اداری شکایت کردم اما در آنجا هم خبری نشد. واقعیت این است که مستمری‌ای که بهزیستی به ما می‌دهد سال قبل یک میلیون‌و ۴۰۰ هزار تومان بود و امسال به دو میلیون تومان رسیده است. هفت ماه این مستمری را جمع کردم تا خرج شکایت به دیوان عدالت اداری کنم. برای لایحه و وکیل و رفت‌وآمد و... اما دیوان هم در نهایت گفت باید شکایت جدیدی از آموزش و پرورش بنویسی. اما توانی برایم باقی نمانده بود، چون وکیل پول می‌خواست و من چیزی نداشتم. خانواده هم از کار و زندگی انداخته بودند و یک ماه تمام در اداره‌های مختلف تهران و اردبیل در تردد بودند. تا همین حالا خانه‌نشین مانده‌ام و نمی‌دانم باید چه کنم».

دروغی به اسم استخدام معلولان

فرد دیگری که سال گذشته با مشکلی مشابه مواجه شد و پس از آن دیگر سراغ پیگیری نرفته است، می‌گوید حداقل پاسخ پرسش‌های ما را بدهند: «کاش وزارتخانه به ما بگوید چرا در سال‌های قبل نابینایان پذیرفته می‌شدند اما امروز ممنوع شده است؟ اگر واقعا بخش‌نامه‌ای در کار بوده است، علت مغایرتش با قوانین بالادستی در چیست؟ آیا چنین رویکردی تبعیض در حق معلولان کشور محسوب نمی‌شود؟». اتفاقی شبیه به این اما پیش‌تر هم رخ داده بود. در سال ۱۴۰۰ هم عده‌ای از نابینایان نسبت به پذیرفته‌نشدن در دانشگاه فرهنگیان اعتراض کرده بودند. یک زوج نابینا در همان سال و در گفت‌وگو با رسانه دیگری با اشاره به این موضوع گفته بودند: «استخدام معلولان یک دروغ بزرگ است. من و همسرم هر دو معلولیت بینایی داریم و در حالی که از قبولی همسرم در آزمون استخدامی آموزش و پرورش در رشته مشاوره آموزشی خوشحال بودیم اما به این بهانه که نابینا قادر به اداره کلاس درس نیست، او را از استخدام محروم کردند». همین شد که در ۱۸ مهر همان سال، «حمید طریفی‌حسینی»، رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور، با رد این موضوع عنوان کرد: «برای جذب نابینایان، مانعی نداریم و هم‌اکنون بسیاری از نابینایان در مدارس ویژه نابینایان مشغول به کار هستند. سه درصد سهمیه معلولان در استخدام‌ها ملاک است اما در قانون ذکر نشده این افراد فقط باید معلم شوند، بلکه می‌توانند جذب سایر دستگاه‌های دولتی شده یا در مشاغل اداری آموزش و پرورش حضور یابند». پیش از آن هم «مجید هداوند»، معاون سابق برنامه‌ریزی آموزشی و توان‌بخشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور از حل مشکل استخدام سه گروه از معلولان در وزارت آموزش و پرورش خبر داده بود. هداوند با اشاره به اینکه کارگروهی با محوریت مرکز نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش و پرورش استثنائی تشکیل و شیوه‌نامه‌ای تهیه شد، عنوان کرد: «براساس آن سه گروه از داوطلبان آسیب‌دیده شنوایی، آسیب‌دیده بینایی، داوطلبان دارای معلولیت جسمی-حرکتی و حتی دانش‌آموزان طیف اُتیسم با هوش‌بهر عادی می‌توانند متقاضی شغل معلمی شوند». رضا مرادصحرایی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان نیز در همان زمان درباره جذب معلولان گفته بود: «برای معلولان سه درصد سهمیه استخدامی تعیین شده است اما برای دستگاه‌هایی که بتوانند وظایف را انجام دهند. معتقدم اگر قرار باشد فرد دارای معلولیت وارد نظام تعلیم و تربیت شود بهتر است توانایی او برای معلمی مورد توجه قرار گیرد، آیا می‌تواند در دوره ابتدایی ۴۰ دانش‌آموز را اداره کند؟». او این را هم گفته بود: «طبق آنچه اطلاع دارم، معلولان در مصاحبه دانشگاه فرهنگیان به سمت دیگری هدایت می‌شوند، چراکه فیزیک فرد جزء شاخص‌هاست و بعید می‌دانم در مصاحبه پذیرفته شوند، مگر آنکه معلولیت آنها محدودکننده نباشد. معلولان در مسیرهای دیگر و دستگاه‌های دیگر امکان استخدام دارند. البته برخی افراد از طریق آزمون استخدامی جذب شده‌اند و توانایی فیزیکی آنها احراز شده است».

پاسخی ندادند

«شرق» برای این گزارش بار دیگر سراغ دانشگاه فرهنگیان رفت، اما متأسفانه حتی روابط عمومی این نهاد هم پاسخ تماس‌ها و پیام‌های «شرق» را نداد. رئیس انجمن نابینایان استان اردبیل هم مدتی است از گزارش‌های مردمی متوجه این موضوع شده است. او در پاسخ به «شرق» مبنی بر اینکه دانشگاه چه توضیحی دراین‌باره می‌دهد، می‌گوید: «متأسفانه این اتفاقی است که امسال رخ داده و وقتی نابینایان ما به دانشگاه فرهنگیان مراجعه کرده‌اند، با وجود قبولی در آزمون سراسری و مصاحبه‌ها، نتوانستند جذب شوند. بیشترین پاسخی که به آنها داده شده این است که ظرفیت پذیرش تکمیل شده است. اما واضح است که این موضوع علت دیگری دارد. نمی‌شود پاسخ کسی را که در تمامی آزمون‌ها قبول شده، این‌طور داد». شیوا محمدپور البته می‌گوید انجمن مکاتباتی با دانشگاه در این زمینه داشته است که متأسفانه تا به امروز نتیجه‌ای در بر نداشته است: «ما هم تماس‌هایی گرفته‌ایم اما پاسخ درخوری به ما هم نداده‌اند. امیدوارم هرچه سریع‌تر موانع این‌چنینی از مقابل معلولان کشور برداشته شود. یکی از اصلی‌ترین مشکلات معلولان و مشخصا نابینایان همین موضوع اشتغال است و ما انتظار داریم مجموعه آکادمیک کشور در این زمینه بیشتر با ما همراهی کند، چراکه اتفاقا معلمی بهترین گزینه اشتغال برای این گروه از معلولان محسوب می‌شود».

یک تبعیض جدی

«بهروز مروتی»، فعال حوزه معلولان و مدیر سابق کمپین معلولان کشور، از یک تبعیض بزرگ و اجرانشدن قانون در این زمینه به «شرق» می‌گوید: «ما تحت یک تبعیض جدی هستیم که سال‌هاست این مشکل ادامه دارد و کسی هم توجه جدی به آن ندارد. گاهی با یک‌سری قوانین فضا را بزک می‌کنند تا بگویند به حقوق معلولان احترام می‌گذارند. اما در عمل خود دولت که مجری قانون است، در ارکان خودش قانون حداقل سه درصد جذب معلولان را رعایت نمی‌کند». مروتی با اشاره به ارائه‌ندادن گزارش اجرای قانون ۱۵ درباره استخدام سه‌درصدی معلولان در هشت سال اخیر می‌گوید: «وزارت آموزش و پرورش جزء دستگاه‌هایی است که در کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حضور دارد و حتی نسبت به اجرای همین قانون ۱۵ استخدام معلولان مسئولیت دارد. اما از سال ۹۷ که این قانون تصویب شده است، این نهادها باید هر سال گزارش اجرای عملکردی این قانون را به مجلس می‌دادند. پس ما باید هشت گزارش داشته باشیم اما دریغ از حتی یک گزارش از اجرای این قانون از سال ۹۷ تا به امروز. با اینکه دستور صریح هم در این زمینه وجود دارد اما در زیرمجموعه این نگاه وجود ندارد». از نگاه این فعال حوزه معلولان، چنین رویکردهایی فرصت زندگی و آینده را از معلولان می‌گیرد: «نگاه معلول‌ستیزی و رویکردی که عملا جایگاه اجتماعی برای معلول قائل نیست، در بدنه تصمیم‌گیری مسئولان کشور دیده می‌شود. هرچقدر هم حرف بزنند و شعار بدهند، تا زمانی که کار اجرائی مؤثر نداشته باشند و حداقل قوانین خودشان را اجرا نکنند، نمی‌شود به حرف‌ها اعتماد کرد. شعار حمایت از معلولان، برای جامعه معلولان کشور نه فرصت زندگی و کار و اشتغال می‌شود و نه آینده و عزت نفس و احترام».

وقتی نابینایان ما به دانشگاه فرهنگیان مراجعه کرده‌اند، با وجود قبولی در آزمون سراسری و مصاحبه‌ها، نتوانستند جذب شوند. بیشترین پاسخی که به آنها داده شده این است که ظرفیت پذیرش تکمیل شده است. اما واضح است که این موضوع علت دیگری دارد. نمی‌شود پاسخ کسی را که در تمامی آزمون‌ها قبول شده، این‌طور داد

برگه کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو
پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی رنگ نقره ای
به نام آقای **محمد تقی دوست محمدی**
باشماره موتور ۱۲۴۸۴۲۲۹۱۶۹ و شماره شاسی ۱۴۲۸۲۲۰۹
با شماره پلاک ۲۲ ایران ۴۸۵ س ۶۸
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

برگ سبز سند مالکیت خودرو پراید جی تی ایکس آی
رنگ نوک مدادی متالیک به نام آقای **محمدرضا نعمتی**
باشماره موتور ۱۵۹۸۱۵۴
و شماره شاسی S1412285886748
با شماره پلاک ۲۲ ایران ۸۲۸ ط ۴۹
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹

BEHSAZ NEGAHDAR HAMI SHAHR
بهساز نگهدار حامی شهر

آگهی مناقصه عمومی

شرکت بهساز نگهدار حامی شهر (مسئولیت محدود) در نظر دارد نسبت به اجاره لوازم و تجهیزات صوتی و تصویری و دکور و سایر موارد مورد نیاز خود را با برآورد اولیه (حدود) ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. بدینوسیله از اشخاص حقیقی و حقوقی جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

شرایط شرکت در مناقصه:
۱) سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت واریز به حساب ۷۰۰۱۰۰۰۹۰۳۱۸۰ به نام شرکت بهساز نگهدار حامی شهر می‌باشد.
۲) مدت زمان اجرای عملیات ۵ ماه
۳) پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه‌می‌باشد.
۴) محل دریافت اسناد: دفتر شرکت بهساز نگهدار حامی شهر به نشانی: سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر نبش خیابان مرغاب، پلاک ۱۱، طبقه همکف.
۵) مهلت دریافت اسناد و ارائه ۷ روز از تاریخ انتشار آگهی مناقصه در روزنامه می‌باشد. بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شرایط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و رعایت مفاد آیین‌نامه معاملات شرکت می‌باشد.
۶) شرکت بهساز نگهدار حامی شهر در رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است در این صورت سپرده‌ها مسترد خواهد شد. هزینه آگهی به عهده برندگان مناقصه می‌باشد. ضمناً مشروح شرایط مناقصه در اسناد درج شده است که شرکت‌کنندگان مدارک را پس از اخذ مطالعه با قید کلمه قبول، امضا نموده و در پاکت‌های (الف و ب) لاک و مهر شده تحویل دفتر شرکت نمایند. بازگشایی پاکت‌ها و قرائت پیشنهادها روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ ساعت ۱۰ صبح، دفتر مدیرعامل شرکت به آدرس مندرج در بند ۴ این آگهی انجام خواهد پذیرفت. حضور مدیرعامل یا اشخاص صاحب امضا شرکت‌کنندگان مناقصه در جلسه مذکور الزامی می‌باشد.
۷) شرکت کنندگان بابت خرید اسناد مناقصه مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب ۱۰۰۱۰۰۰۹۰۳۱۲۴ بانک شهر شعبه پاسداران به نام شرکت بهساز نگهدار حامی شهر واریز نمایند.
۸) اجرای ضوابط زیست محیطی و مفاد دستورالعمل (HSEPLAN) از الزامات بوده و رعایت آن از طرف پیمانکار الزامی می‌باشد
۹) سایر موارد در اسناد مناقصه تعیین گردیده است.

شرکت بهساز نگهدار حامی شهر